

قطعنامه فستیوال آدمک برفی ها در شهر سنندج!



ازادی منصور اصائلو شدند قطعنامه فستیوال آدمک برفی ها فراخوان برگزاری فستیوال آدمک برفی ها از طرف "کانون دفاع از حقوق کودکان" برای خانواده‌ها سرشار از شادی و نشاط است. کودکان با شنیدن این پیغام؛ خوشحال و خندان می شوند، همدیگر را خبر می کنند صدایشان با کانون یکی می شود توجه به کودک و حقوق کودک بیشتر می شود، برای برگزاری فستیوال، لحظه شماری آغاز می شود همه باهم دست در دست کودک و نوجوان بسوی میعادگاه کانون حرکت می کنیم، شور و شوق و شعور موج می زند



هزاران نفر شرکت کننده و برگزار کنندگان فستیوال آدمک برفیها در سنندج در قطع نامه خود، خواهان رفع تعقیب و آزادی برای فعالین مدنی و اجتماعی و لغوی حکم زندان برای فعالین کارگری سقز و همچنین از مطالبات بر حق کارگران سنندجیهای شرکت واحد تهران حمایت و خواهان

اطلاعیه شماره ۱ فرماندهی گارد آزادی مزدوران حزب الله کردستان را شناسایی و معرفی کنید!



مردم آزادیخواه و مبارز سنندج!

نشاندن ایم و این بار نیز آنان را سر جای خود می نشانیم. کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی از واحدهای گارد آزادی و همکاران خود و از مردم مبارز و آزادیخواه در سنندج و سراسر کردستان میخواهد که عوامل "حزب اله کردستان" را شناسایی کرده و آنان را در اسرع وقت به ما معرفی کنند. گارد آزادی خود را موظف به تامین امنیت و آزادی مردم در مقابل تروریستهای اسلامی میداند و از همه امکانات خود برای حفظ آزادی و آسایش مردم استفاده میکند. این مزدوران جیون تر از آنند که بتوانند مانع گسترش مبارزه و اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی شوند. حزب اله و سرانش را باید محکمه و مجازات کرد. این را باید تضمین کرد.

گروهی از مسئولین و مزدوران جمهوری اسلامی تحت نام "حزب الله کردستان" در تاریخ 10-24-1384، به خود جرات داده و در اطلاعیه ای حنف فیزیکی تعدادی از خبرنگارو فعالین معترض و حقوق بشری را در کردستان با اسامی مشخص لیست کرده و اجرای حنف فیزیکی آنها را در دستور قرار داده است. مردم کردستان بویژه مردم سنندج خوب میدانند که ضدیت و دشمنی علنی رژیم علیه مردم از ۲۷ سال پیش با یورش جمهوری اسلامی به مردم در سراسر ایران و سپس حمله همه جانبه به مردم کردستان آغاز گردید و هیچ چیز تازه ای در اطلاعیه مزدوران حزب اله وجود ندارد. نکته ای که جدید است، از دید تفر روجه انفجار مردم از جمهوری اسلامی است که تمام آتمکشان ریز و درشت حکومت اسلامی را به تکلیف انداخته است.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی

عبداله دارابی

2006-1-16

مردم!

امروز، تنها محکوم کردن صرف این جنایتکاران کفای نیست، روز عقب زدن این مزدوران است. این انگلها را ما بارها سر جای خود

فستیوال آدمک برفیها ابتکاری است اجتماعی که سالانه در شهر سنندج برگزار میشود. در این فستیوال هزاران نفر از مردم شهر دور هم جمع میشوند تا در دفاع از حقوق انسانی کودک همایش اجتماعی خود را برگزار کنند. این سنت انسانی و پیشرو به سنتی تثبیت شده در شهر سنندج مبدل شده است، سنتی که در تاریخ و روند اتحاد و آگاهی انسانی جامعه نقش مهمی دارد. برگزار کنندگان این گونه مراسم ها به حق سزاوار بهترین قدراندینها میباشند، این سنت انسانی نسخه قابل تکثیر و در دسترس برای سایر شهرها میباشند، ما این همبستگی را به مردم مبارز سنندج تبریک میگوییم. اکتبر

شهر سنندج و مردم فیض آباد!

اعتراض این مردم به عناوین مختلف این جنایت را توجیه کرده و یا به همدیگر پاس دادند. دلگستری که حکم تخریب خانه های مردم را صادر کرده تا شهرداری که این حکم را اجرا کرد و بالاخره استاندار جدید که نقش میانجی را بازی میکند... هر کدام بخشی از این جرم و جنایت ضد انسانی را به انجام رسانده اند. اکنون هفته ها از این ماجرای دهشتناک و فاجعه انسانی میگذرد. در این مدت نه تنها پاسخی داده نشده بلکه در کمال بیشرمی از طرف صفحه ۳

فعالین چپ و انسان دوست و مدافعین حقوق انسانی و آزادیهای منئی! بیروز خانه های مردم را در محله فیض آباد بر سرشان خراب کردند، فردا میخواهند ساکنان محله "نایی سر" را بیختمان کنند. شما چه میگویید؟ چرا ساکتید؟ اوایل زمستان امسال در یک حمله وحشیانه خانه های مسکونی بیش از صد خانوار محله فیض آباد سنندج را بر سرشان خراب کردند. صدها زن و مرد و کودک بی سرپناه در خیابان و در سرمای زمستان رها شدند. مقامات مربوطه در پاسخ به



مظفر محمدی

مردم سنندج! شخصیتها، نهادها، محافل و گروههای اجتماعی، معتمدان و رهبران مردم!

در صفحات دیگر

کردستان ایران، حیات خلوت ناسیونالیسم کرد نیست! ایرج فرزاد اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست راجع به مزدوران حزب الله گزارش فستیوال آدم برفی سنندج سهیل احمدی

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی بپیوندید!



می کنیم و خواستار آزادی منصوراصائلو هستیم.

**شرکت کننده گان در فستیوال آتمک برفی ها**

۱۰/۸۵/۲۳  
سنندج ۲۰۰۶/۲۰۰۶/سنندج

۹- ویران کردن خانه های محلات فقیر نشین شهر بویژه محله روبروی پمپ بنزین انتهایی فیض آباد را محکوم می کنیم از اعتراضات کودکان بی پناه و خانواده هایشان برای احقاق حق خود پشتیبانی می کنیم.  
۱۰- خواهان رفع تعقیب و آزادی برای فعالین منی و اجتماعی ولغو حکم زندان برای فعالین کارگری سقز هستییم .  
۱۱- از مطالبات برحق کارگران سندیکای شرکت واحد تهران حمایت

مسکن رفاه و امکانات زندگی برای کودکان خیابانی و بی پناه  
۴- لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال  
۵- ممنوعیت هرگونه بهره کشی از کودکان  
۶- به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و دیگر حقوق مدنی و اجتماعی  
۷- ممنوعیت خشونت، شکنجه، اعدام و بازداشت کودکان  
۸- رعایت مفاد کنوانسیون جهانی حقوق کودکان  
۳- تامین



میکنیم. ۱- آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان  
۲- تامین سلامت، بهداشت و درمان رایگان برای همه ی کودکان  
۳- تامین

میدانیم وقتی که حقوق کودک ضایع می شود کودک قادر به دفاع از خود نیست. کودک به حمایت ما نیاز دارد، دفاع از حقوق کودک وظیفه ما بزرگتر سلامت. کودکان از ما زندگی بهتر می خواهند. پیغام اصلی این فستیوال؛ تامین آسایش، رفاه و زندگی برای همه کودکان است. ما شرکت کنندگان در این فستیوال مطالبات خود را به شرح ذیل اعلام می کنیم و برای تحقق آن تلاش

## مردم شهر سنندج با حضور پر شور خود به فراخوان کانون دفاع از حقوق کودکان جواب مثبت دادند

در این روز آتم برفی ها و تندیسهای برفی بسیار زیبایی توسط مردم ساخته شد که برای همیشه در ذهن همگان باقی میماند  
لازم به ذکر است که تعداد قابل توجهی در این روز به عضویت کانون در آمدند

این مراسم در میان شور و شوق مردم در ساعت 5.30 به پایان رسید

خشونت بر کودکان ممنوع  
ازیت و آزار کودکان ممنوع  
همه با همه به یاری کودکان بی پناه و خیابانی بشناییم  
کار کودکان ممنوع  
استثمار کودکان ممنوع  
.....

در قسمت دیگری از پارک تعداد قابل توجهی از فعالین کانون با ایجاد ایستگاه نقاشی تعداد بسیار زیادی از کودکان و نوجوانان به همراه خانواده هایشان را در این محل گرد آورده بودند تا آرزوها و افکار کودکانه و معصومانه خود را به تصویر بکشند

خشونت و ایذ  
همه با هم کودکان معلول و بی پناه را یاری دهیم!  
اعدام شکنجه و آزار برای کودکان زیر 18 سال ممنوع!  
شادی و نشاط حق مسلم کودکان است و .....

و نیز ترکت های که با آرم کانون در همه جای پارک نصب شده بود توجه مردم را به خود جلب کرده بود مردم نیز این ترکتها را با اشتیاق به هم میدادند و بر روی آتم برفی ها و تندیس های برفی خود نصب میکردند روی این ترکتها نوشته های همچون

مردم فراخوان این حرکت اجتماعی را صادر کرده بود از ساعت 12 با ایجاد کمپ در محل برگزاری مراسم (پارک آبیدر) ملزومات این مراسم را آماده کرده بود نصب پلاکاردهای همچون آموزش و پرورش رایگان، شادی و نشاط حق همه کودکان است. کودکان خیابانی = قربانیان فقر و خشونت دنیا را برای کودکانمان امن تر کنیم! به کانون دفاع از حقوق کودکان بپیوندید کودکان قربانیان بی دفاع جنگ و

امروز جمعه برا بر با 84/10/23 کودک جوان و پیر، زن و مرد همه با هم به طرف پارک امیریه (آبیدر) حرکت کردند تا در این اتفاق اجتماعی؛ فستیوال آتم برفی ها شرکت کنند.

کانون دفاع از حقوق کودکان که از روز قبل یعنی پنجشنبه 84/10/22 با آمدن اولین برف در سنندج با تکیه بر نیروی وسیع اجتماعی خود مردم سنندج را برای توجه هر چه بیشتر به حقوق کودکان، و در جهت برجسته کردن دردها و مشکلات کودکان و نیز تلاش برای ایجاد روحیه شادی و نشاط

## جشن آدم برفی ها در سنندج ( سهیل احمدی )



کندند تا به آنها گیر دهند و برایشان مزاحمت ایجاد کنند اما این مراسم زیبایی خود را با حضور مردم از هررده سنی و کمک کردن به هم در ساختن آتم برفی و شاد بودنشان هرچند لحظه ای به دور از توحش جمهوری اسلامی حتی برای چند ساعت هم حفظ کرده بود ولی باز برای تعدادی از خانواده ها و کودکانی که این مراسم برای آنها ترتیب داده شده بود تبعیض و نابرابری و فقری که رژیم اسلامی به آنها تحمیل کرده بود مشاهده می شد.

سهیل احمدی 23/10/84

آموزش، بهداشت و درمان رایگان، شادی و رفاه حق کودکان است - کودکان کار، بردگان بی مزد دنیای امروز - جهان را برای کودکان امن کنیم و... در این مراسم به چشم می خورد وجود مأموران نیروهای انتظامی و لباس شخصی در میان مردم منظره زشتی را به آن اجتماع صمیمی و انسانی می داد و هر جا آنها حضور داشتند مردم خود را از آنها دور می کردند، از زن و مزد و پیر و جوان و بزرگ و کوچک مشغول گوله بازی و تفریح بودند و مأموران به آنها تکر می دادند و مدام به دنبال آن بودند که ببینند کدام دختر و پسر با هم صحبت می

امروز 23/10/1384 فستیوال جشن آدم برفی در کوه آبیدر سنندج واقع در پارک امیریه از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان سنندج برگزار گردید. این مراسم از ساعت 2 بعد از ظهر شروع و تا 5 بعد از ظهر ادامه داشت. هزاران نفر از مردم در این جشن شرکت کرده و دختر و پسر و کودک و جوان مشغول ساختن آتم برفی بودند، همچنین در گوشه ای دیگر از این پارک تعدادی دیگر از کودکان مشغول کشیدن نقاشی های زمستانی مورد علاقه خود بودند. پلاکاردهای نیز با مضمون کودکان خیابانی قربانیان فقر و خشونت -

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ما و مردم " حزب الله کردستان" را سرچایشان مینشانیم

تهدیدات خود بتواند جلو مبارزه مردم به جمهوری اسلامی را بگیرد. این جنایتکاران باید دستگیر شده و در دادگاههای مردمی مجازات شوند. ما و مردم آزادیخواه کردستان این را تضمین می کنیم و آنها را سر جایشان مینشانیم.

**کمیته کردستان حزب حکمتیست**

16 ژانویه 2006 برابر با 27 دیماه 1384

را شدیداً محکوم میکند. در عین حال به مردم شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان اعلام میکند که با هشیاری تمام مواظب حرکات این مزدوران جمهوری اسلامی در میان خود باشند. تحرکات احتمالی این انگل های اسلامی را زیر نظر داشته باشند و هر جا خواستند توطئه کنند، آنان را سر جای خود به نشاندند. جانوران اسلامی ما این نوع تهدیدات به خیال خود میخوانند پیش دستی کرده و با ایجاد جو رعب و وحشت در میان مردم، جلو ابراز اعتراض علنی مردم به جمهوری اسلامی را بگیرند. مردم در کردستان همانند دیگر نقاط ایران به جمهوری اسلامی معترضند، جمهوری اسلامی را بانی فقر و فلاکت و سیه روزی و بی حقوقی مطلق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود میدانند و به خاطر آن به جمهوری اسلامی اعتراض میکنند. "حزب الله در کردستان" بی ریشه تر از آن است که با

گله حزب الله در کردستان چیزی دست اندرکاران رژیم و تنک ته مانده های مزدوران جمهوری اسلامی که زمانی تحت نام "پیشمرگان مسلمان کرد" جنایت میکردند، نیستند. اینها هیچوقت در میان مردم کردستان جای نداشتند و بر عکس جمهوری اسلامی را مستقیماً در کنتار مردم کردستان یاری داده اند. جمهوری اسلامی را در تحمیل مصائب بی شماری علیه مردم مستقیماً یاری داده اند. اظهار وجود مجدد آنان، در قالب "امت حزب الله" اتفاقاً انعکاسی از وخامت اوضاع جمهوری اسلامی و ترس و نگرانی آنها از انزوای هرچه بیشتر رژیمشان در میان مردم و از آینده ای است که در انتظارشان است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست تهدیدات گله حزب الله علیه جان عده ای از اهالی شهر سنندج

در تاریخ 24 دیماه 1384 در اطلاعیه ای از طرف گروهی رسوا تحت نام "امت حزب الله کردستان- شاخه سنندج" که در سایت تبریز نیوز درج شده است، عده ای خرنکار و فعال حقوق بشر و معترض به جمهوری اسلامی از شهروندان سنندج را به حنف فیزیکی تهدید کرده است. از همین اطلاعیه شان پیداست که "امت حزب الله" اگر موجودیتی داشته باشند، کسانی جز مسئولین و مزدوران خود جمهوری اسلامی در کردستان نیستند. اینها به روشنی به سرکوبگران جمهوری اسلامی متکی اند و حتی جنایت و سرکوبگری را تائیدی رژیمشان را کافی نمیدانند. به همین دلیل به مراکز سرکوب رژیم اسلامی در کردستان هشدار داده است که در صورت عدم مداخله آنان، خود علیه این عده که نامشان را ذکر کرده است، وارد عمل خواهد شد!

**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است**

## شهر سندانج و مردم فیض آباد از ص ۱

شهرداری اعلام شده که بقیه خانه های مسکونی حاشیه شهر از جمله در محلات دیگر مانند نایی سر را تخریب میکند. شهرداری زمینهای حاشیه شهر و اسکان ساخته شده توسط مردم زحمتکش در این مناطق را جزو اموال موقوفات اعلام کرده است.

جنایت تخریب خانه های مردم در شهری تفاق افتاده است که به شهر مردم آگاه و آزاده و با سابقه مبارزاتی از ادیخواهانه درخشان مشهور است. در شهر سندانج

گفته میشود که جنایتکاران در ساعات نیمه شب به محله فیض آباد حمله کردند و مردم در خواب بوده اند. اما از صبح آن روز به بعد و تا حالا شبها و روزها و حتی هفته ها میگذرد و از عکس لعل فیض آباد مردم هنوز خبری نیست. ساکنین خانه خراب شده فیض آباد و خانواده ها و کودکانشان هنوز چشم انتظار حمایت این مردم اند. چرا این حمایت هنوز صورت نگرفته و این تفاق نیفتاده است، سراغ چه کسانی را باید گرفت و یقه چه کسانی را باید چسبید؟

شکی نیست که نمیتوان و نمیشود یقه همه مردم يك شهر را یکجا گرفت. نمیشود همه مردم يك شهر را مورد سوال قرار داد و یا سرزنششان کرد. آحاد مردم يك شهر را نمیتوان یکی یکی به انجام کاری متحدانه قانع کرد. در هر شهر بطور کلی و یا هر کارخانه و هر محله و یا مدارس و ادارات و بازار هر شهر يك شبکه از محافل و انجمنهای سرشناس و مورد اعتماد مردم وجود دارند. اینها بالقوه رهبران مردمند. مردم چشمتان به دهان اینها است و به قلمهایی که بر میدارند. کلام اینها به سرعت کلام مردم میشود و حرکت اینها به حرکت مردم تبدیل میگردد.

در شرایط کنونی ایران این محافل و انجمنها، رهبران مذهبی نیستند. آخوند محله نیست. نماینده دولت در محله یا

کارخانه و شهر مانند شهرداری و شورای اسلامی شهر و یا شورای اسلامی کارخانه و نماینده مجلس اسلامی نیست.

رهبران مردم در هر دوره تاریخی مهر آن دوره را بر خود دارند. در این دوره معین در ایران این رهبران نمایندگان اعتراض مردم به وضع موجودند. سخنگویان آزادی و انسانیت و مدنیت و حق و برابری اجتماعیند. اینها چه به عنوان شخصیت منفرد و یا متشکل در نهادهای منی و سیاسی و تشکلهای کارگری و جوانان و زنان و روشنفکران و فرهنگیان و اصناف دیگر اجتماعی، در واقع مدافع بالقوه و بالفعل منافع اکثریت مردمند. باید سراغ اینها را گرفت و باید یقه اینها را چسبید.

میشد به هنگام تخریب خانه های مردم فیض آباد توسط بولدوزهای شهرداری، تعداد زیادی از مردم شهر و یا تنها محله فیض آباد اجتماع کنند و اعتراض کنند و کار به زانو خورد و تظاهرات در نتیجه عقب نشاندن نیروهای مخرب گردد. نفاق از مردم خانه خراب شده در حقیقت جلوگیری از يك قلدری و وحشیگری است که امروز به این شکل ظهور یافته است و فردا شکل دیگری خواهد داشت و بخره بخشی دیگر از مردم را خواهد گرفت.

مردم محله فیض آباد چه انجمنیکه خانه هایشان مورد حمله خرابکارانه قرار گرفت و چه همه ساکنین این محله فرصتی را از دست دادند. فرصتی که میتوانست و ممکن بود جلو این وحشیگری را بپنجم و قوه جرم بگیرد. صدها خانوار محله فیض آباد بپنجم حمله دشمن تنها ماندند و از عهده مقابله با نیروهای بسیج شده نظامی و دولتی و شهرداری را نداشتند. این حمله را میشد با يك ضد حمله مردم محله فیض آباد و محلات همسایه به عقب نشاند. میشد نیروهای انتظامی را سبگیران کرد، بولدوزهای شهرداری را داغان کرد. میشد با زنجیری از دستهای محکم زنان و مردان محله حایل و دیواری نفوذ ناپذیر درست کرد. جوانان محله میتوانستند عرصه را بر نیروهای رژیم و ماشینهای مخرب شهرداری و رانندگان و کارمندان لحمقشان تنگ کنند. میشد به اینها فهماند که دارند شريك چه جرم و جنایت کثیفی میشوند. در نهایت و حتی میشد

باریکاد بست... جنایتکاران، جنگی راه ما تحمیل کردند. آنها چند صد نفر نیروی انتظامی مسلح و بولدوزهای دولت را وارد میدان کردند تا خانه های مردم را بر سرشان خراب کنند. این اعلام يك جنگ تمام عیار است. میبایست به شیوه خود پاسخ این جنگ و حمله دهنمشانه را داد. این حمله را با خواهش و تمنا نمیشد خنثی کرد و جلوش را گرفت. تنها با حمله متقابل جوانان و زنان و مردان محله میشد آنها را به عقب نشاند و از اقدام به این جنایت پشیمانشان کرد. این کار ممکن بود و بارها اتفاق افتاده است.

از فردای شبی که به خانه های مردم شیبخون زند و خراب کردند و بعد آن محل را ترک کردند دیگر صحنه این جنگ و شکل مبارزه عوض شده است. دشمن ضربه خود را زده و رفته است. خانه ها تخریب و صاحبان خانه متفرق گردیده اند. دیگر زمان اینک مردم شهر به طرف محله فیض آباد بشتابند و خانه هایشان را از حمله دشمن نجات دهند گذشته است.

بعد از آن و هم اکنون دو راه پیش پای ما قرار دارد. یا باید مانند شکست خورندگان دست به زانو نشست و بر درگاه این و آن اداره و نهاد دولتی به استغاثه نشست و یا به کمک و بهمراهی مردم يك شهر يك اعتراض عمومی و همه جانبه را سازمان داد، عکس العمل نشان داد، نخالت کرد و اعتراض کرد.

این کار و این دور مبارزه هم باز کار یکی یکی احاد مردم شهر و یا تعدادی از مردم خانه خراب شده فیض آباد نیست. این کار شخصیتها و نهادهای متشکل و محافل و گروههای نمایندگان و سخنگویان و رهبران مردم و انجمنهای صاحب نفوذ در محلات و در میان کارگران و زنان و فرهنگیان و جوانان و بازاریان است. جنایتی تفاق افتاده است. تعداد زیادی از مردم در سرمای زمستان بی خانمان شده اند. ما باید بخوابیم که،

1- همه این خانوارها در محل مناسب و مرفهی اسکان داده شوند و مخارج زندگی شان تامین گردد. مگر نه این است که در جایی سیل یا زلزله میاید همه مردم جهان برای کمک به این مردم بسیج میشوند؟ بی خانمان شدن صدها زن و مرد و

کودک در سرمای زمستان فاجعه کوچکی نیست. حد اقل بسیج عمومی مردم يك شهر برای کمک به این مردم آسیب دیده لازم و ضروری است. این مردم حال کجا هستند و چگونه زندگی میگذرانند؟ این سوال همه مردم سندانج باید باشد. این بسیج عمومی را باید سازمان داد، خود بخود انجام نمیشود.

2- کلیه خسارات وارده بر تک تک خانوارهای فیض آباد توسط هیئتی صلاحیتدار از مردم و نمایندگانشان برآورد شده و دولت موظف به پرداخت خسارت کامل و فوری به این مردم گردد. هم اکنون این مردم مصیبت دیده از جیب و سفره خالی خود پول جمع کرده اند تا از طریق دلگستری تحقیقاتی در این زمینه بعمل آید. اما همه باید بدانند که این کاری فرمال و وقت کشی است. نباید منتظر این پروسه کشدار و بی ثمر بود.

3- جنایتکاران چه انجمنیکه حکم صادر کرده و چه مجریان این کار باید به مردم معرفی و مجازات شوند.

4- کلیه موقوفات از زمین و ساختمانها و غیره جزو اموال عمومی بحساب آمده و باید برای رفع نیازهای مردم مورد استفاده قرار گیرند. اداره اوقاف و مساجد و آخوندها این دارایی مردم را به تصاحب در آورده و تاکنون حیف و میل کرده اند. این داراییها باید به مردم برگردانده شوند.

اشکال دیگر حمایتی از قبیل تهیه و نوشتن نامه و از این قبیل، اگر با اعتراض و فشار مردم همراه نباشد کارساز نیست. مردم محله فیض آباد تا کنون بارها جلو استانداری و دلگستری و شهرداری اجتماع کرده اند اما این اجتماعات با حضور و دخالت و شرکت و حمایت مردم همراه نبوده است. باید این دخالت را سازمان داد. هیاتهای نمایندگی مردم، نمایندگان نهادهای مندی و شخصیتها و گروههای صاحب نفوذ اجتماعی میتوانند رهبر و سازمانده این نخالت اجتماعی و انسانی شوند. پشتیبانی و حقخواهی مردم ستمدیده و رها شده در خیابان، امری به شدت انسانی و وظیفه ای عمومی است. فعالین و رهبران و سخنگویان و معتمدان مردم نباید شانه از زیر بار این مسوولیت و وظیفه انسانی خالی کنند. اگر جلو این جنایات گرفته نشود آن را ادامه

میدهند. هم اکنون شهرداری مردم محله نایی سر را تهدید کرده است که خانه هایشان را تخریب خواهد کرد. این بار بهانه اش این است که در مسیر لوله های گاز خانه ساختند. مردم بی سرپناه مسکن میخوانند و رژیم نه تنها هیچ مسوولیتی برعهده نمیگیرد، بلکه خانه ها گلی را هم بر سرشان خراب میکند. باید از همین حالا برای جواب دندان شکن آماده شد. این تنها کار مردم محله نایی سر نیست. باز هم کار همه مردم سندانج است. جوانان نایی سر و محلات همسایه و نزدیک باید خود را برای مقابله با نبرد احتمالی آماده کنند. نباید گذاشت حتی يك خشت از خانه ای کنده شود. باید جنایتکاران را يك بار و برای همیشه از این جنایتشان پشیمان کرد. اقدام کنندگان به این جنایت نباید سالم برگردند. باید آماده بود. این بار نباید شیبخون خورد.

مردم مبارز سندانج، جوانان! مبارزه برای حقوق انسانی و منی و حرمت و زندگیمان، مبارزه این و آن محله و این و آن گروه و صنف اجتماعی به تنهایی و جدا از هم نیست. کار هر محله و هر صنف، برای خود نیست. این امری عمومی، اجتماعی و دستجمعی است و این کاری است که هر یار و از نو باید سازمان یابد. این رژیم دهنمش مردم را مرعوب و ساکت و تسلیم میخواند. میخواند تلاش حق طلبانه و از ادیخواهانه هر صنف و گروه ما را جداگانه شکست دهد. این فرصت را از او بگیریم. برای حقوق اجتماعی و منی و انسانیمان چاره ای جز عکس العمل و دخالت و اعتراض و مبارزه سازمان یافته و یکپارچه نداریم.

مظفر محمدی

27 دیماه 84 (17 ژانویه 2006)



## به کمپین جهانی برای آزادی اسانلو و سایر در بندان شرکت واحد بپیوندید!



فعالین کارگری جرمی مرتکب شده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## کردستان ایران، حیات خلوت ناسیونالیسم کرد نیست!

درحاشیه افشا برخی حقایق کوی سنجاق در سال ۹۶



ایرج فرزاد

قصده جنگینن دارید، ما اکنون آماده‌یم که با شما مردانه مبارزه کنیم.

گزارشگر بخش جهانی «بی.بی.سی» در ۳۱ جولای اعلام کرد: نیروهای ایران، اردوگاه مخالفان دولت ایران در کوی سنجاق را محاصره و پس از دو روز، بدون هیچ‌گونه درگیری، آنجا را ترک کردند و هیچ‌کس آسیب ندید.

در ۲۹ و ۳۰ جولای، خبرگزاری‌های فرانسسه و «رویترز» نیز از این واقعه نظامی گزارش‌هایی انعکاس داده و اعلام کردند، به رغم پیشروی ۱۶۰ کیلومتری ایران در خاک عراق تا منطقه کوی سنجاق و رویارویی مستقیم نیروهای ایرانی و پیشمرگ‌های کرد، هیچ‌گونه درگیری رخ نداده است.

در آن مقطع، احمد کاظمی، یک توافقی‌نامه سیاسی - نظامی با رهبران کردهای اردوگاه کوی سنجاق امضا کرد که بنا بر آن، قرار شد که آنان از آن پس، اسلحه را کنار گذاشته و دیگر عملیات نظامی انجام ندهند و تنها به فعالیت سیاسی روی آورند. در مقابل، ایران نیز از اقدام مسلحانه علیه آنان خودداری کند.

(از «روایتی ناگفته و بیاماننی»، سایت بازتاب، وابسته به محسن رضائی، ۲۲ دی ماه ۸۴)

در هر حال احمد کاظمی و محسن رضائی، از فرماندهان سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، به اتفاقی که در روز ۲۸ ژوئیه (جولای) سال ۹۶ در کوی سنجاق رخ داده است پرداخته اند و سندی را که به ادعای آنها به امضای رهبری حزب نمکرات کردستان ایران رسانده اند، علنی کرده اند. اینجا لزومی به نشان دادن بی‌پایگی این ادعا که گویا پاسدار کاظمی پس از دو روز محاصره

اردوگاه حزب نمکرات، "بدون هیچ‌گونه درگیری" و بدون اینکه "هیچ‌کس آسیب ببیند" آنجا را ترک کردند، نیست. چرا که این حادثه شواهد و اسناد و مدارک غیر قابل انکاری دارد. همانوقت همه نیروهای سیاسی که در منطقه حضور داشتند و از جمله ما، به توطئه مشترک جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی در حمله به کوی سنجاق نوشتیم و حرف زدیم. رهبری حزب نمکرات اعلامیه صادر کرد و از اینکه اتحادیه میهنی "خون کرد ایرانی" را در این رابطه "حلال" اعلام کرده بود شکایت کرد. همان روز ۲۸ ژوئیه با دخالت و همکاری نیروهای مسلح اتحادیه میهنی، در آن شبیخون مشترک، چند نفر از کلرها و پیشمرگان حزب نمکرات به قتل رسیدند. اینها البته هنوز در محدوده اطلاعات کاظمی و سپاه پاسداران رژیم اسلامی کامکان "ناگفته" مانده اند.

اما سوال این است که رهبری حزب نمکرات، در باره معامله و بند بست با سپاه پاسداران و دیپلوماسی سری خود، و امضای تعهد نامه در ماجرای کوی سنجاق چیزی نگفته است، نه تکذیب کرده است و نه روایت خود را از اصل ماجرا بیان کرده است.

در ماجرای دیگری حزب نمکرات، قاسملو، رهبر خود را در یک مذاکره پنهانی به قریانگاه فرستاد. سالها بعد از قول عبدالله حسن زاده، دبیرکل وقت این حزب اعلام شد که رهبری حزب نمکرات و دفتر سیاسی این حزب در جریان چنان مذاکره ای قرار نگرفته بودند! حتی گاه شمانت شخص قاسملو تا آنجا دامه یافت که بعد از ترور به او گفتند "آخر چگونه دبیر کل حزب، بدون اینکه قرار مذاکره از طرف جمهوری اسلامی علنی شود، رفته است با یک پاسدار مذاکره کند؟! هر

کسی که تنک بونی از سیاست برده باشد و با رژیمی چون جمهوری اسلامی طرف باشد، نمیتواند ببیند که حزب نمکرات، کسی مثل قاسملو را برای چنان مذاکرات پنهانی و سری، بدون رایزنی و مشورت‌های قبلی اعزام کرده باشد. می‌بایست بی‌دریغی رهبری حزب نمکرات و ساده لوحی این حزب در باور همیشگی به بند بست‌های پنهان با مقامات درجه چندم وزارت اطلاعات و اعتماد به آنها، به نحوی توجیه شوند. ترور قاسملو را با انداختن مسئولیت به گردن شخص قاسملو ماستمالی کردند و گریبان خود را از توضیح به افکار عمومی و صوف حزب نمکرات خلاص کردند. ظاهراً با ترور قاسملو، سرنخا برای قانع کننده جلوه دادن این توجیها ساده لوحانه از بین رفته بودند.

این بار هم "ناگفته" های سردار کاظمی نشان میدهد که طی این ده سال پس از جریان کوی سنجاق نیز، پنهان کردن حقیقت از مردم و حتی از صفوف خود حزب نمکرات، بخش جدائی ناپذیری از سیاست و دیپلوماسی روتین رهبری حزب نمکرات بوده است. این بار، به صرف غیبت کاظمی به عنوان شاهد ماجرای کوی سنجاق و یک طرف معامله و امضای قرارداد و تعهدنامه حزب نمکرات به سپاه پاسداران، و به قتل رسیدن چند تن از کلرهای حزب نمکرات، کتمان حقیقت ممکن نیست. این ماجرا شاهدان دیگری دارد. در هر حال مردم کردستان باید نظر و تبیین و توجیه رهبری حزب نمکرات را از ادعای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در مورد حقایق مربوط به حادثه کوی سنجاق در ۲۶ ژوئیه سال ۹۶ بشنوند. جمهوری اسلامی ناگفته های خود را علنی کرده است، آیر رهبری حزب نمکرات

کامکان بر پنهان کردن معاملات پشت پرده و دیپلوماسی سری و پنهان و بنور از چشم مردم کردستان دامه میدهد؟ اگر آری، این را باید بی‌پرده اعلام کنند تا مردم تکلیف خود را با این حزب بدانند. و اگر نه، رهبری حزب نمکرات اولاً چگونه تعهد خواهد داد که از این به بعد با مردم و صفوف خود روراست خواهد بود و از شفافیت در طرح سیاست‌های با مردم و افکار عمومی پیروی میکند، و ثانیاً آیا دیگر ناگفته های نشده را به اطلاع مردم کردستان خواهد رساند، یا دواطلبانه و بطور یک جانبه افشا و علنی کردن اسرار و ناگفته ها را به میل و رضای مقامات اطلاعات و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی واگذار کرده است؟ شاید انتظار از یک حزب ناسیونالیست کرد برای دست کشیدن از سیاست معامله پنهان که همواره گویا در عشق مفرط اینها به "مصلحت کرد" پنهان تر مانده است، توقعی نا بجا باشد. اما واقعیت این است که درجه رشد و شعور سیاسی مردم کردستان ایران و مردم ایران، اجازه سیاست بدون دسترسی مردم به حقایق را به هیچ حزبی که مدعی سیاسی بودن است را نمیدهد. کردستان ایران، به برکت حضور نیرومند نیروی سیاسی کمونیست و رهبران شناخته شده توده های وسیع، سالهاست که حیات خلوت احزاب و جریانات ناسیونالیست نمانده است. حزب نمکرات ناچار است دیر یا زود فکری به حال کتمان حقیقت از مردم و دامه معامله و دیپلوماسی سری و پنهان و بنور از چشم مردم، بکند.

۱۷ ژانویه ۲۰۰۶

## نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h\_moradbiegi@yahoo.com

Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi\_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل وایی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!